

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

یادداشت:

جای بسا مسرت و افتخار است که پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" با گذشت هر روز از عمر پر بارش مورد توجه ، علاقه و اعتماد نویسندگان و قلم به دستان میهن دوست مبارز و صادق قرار گرفته، صفحات آن با آثار همچو افراد مزین میگردد. یکی از آن موارد تشریف آوری نویسنده مبارز و متعهد کشور آقای "امین سیماب" به پورتال خودشان می باشد. ما ضمن آنکه تشریف آوری شان را به پورتال خیر مقدم می گوئیم آرزو مند آنیم تا همیشه از همکاری های شان مستفید گردیده، در این راه دشوار آنها را همیشه با خود داشته باشیم .

در آرزوی موفقیت های بیشتر جنابشان
اداره پورتال AA-AA

امین سیماب

۱۶.۰۷.۰۹

چند تذکر مختصر در مورد نوشته آقای اعظم «سیستانی» زیر عنوان " گنجینه طلا تپه و سپاس از عمراخان مسعودی بخاطر نجات آن گنجینه از تباهی "

من نمی خواهم آقای اعظم «سیستانی» را مخاطب قرار بدهم زیرا از تبادل نظر و ایجاد یک نوع رابطه فکری با فردی که لقب ننگین "کاندیدای اکادمیسین" (میراث جنایتکاران و متجاوزین روسی) را با افتخار تمام در جلو اسم خود پیوند می زند ، سخت ننگ دارم و در بهترین حالت آن فرد را به عنوان «نیروی ذخیره روس» که در مقطع معین سیاست «آشتی ملی» کرملین نشینان و مزدوران «خلقى - پرچمی» شان بایست نقش خود را بازی نموده باشد ، می توان شناسائی نمود.

ولی هدف من از این نوشته تذکر چند نکته پائین است:

۱) آقای «سیستانی» با لحن یک اوتوریتیه (مرجع با صلاحیت) در مورد آثار باستانی افغانستان و مشخصاً «طلا تپه» نوشته اند. آنچه را مأخذ داده اند ، یکی اثر خودشان (در صفحه ۲) و متباقی گزارشاتی در رابطه با نمایش آثار باستانی افغانستان از سایت های انترنیتی «کابل نات» ، مؤسسه «نیشنل جیوگرافیک» و «تلویزیون آشنا» است. سؤال من اینست که آقای «سیستانی» جزئیات شرح هر قلم از آثار یاد شده در نوشته شان را از کدام منبع و مرجع به دست آورده اند؟

۲) آقای «سیستانی» از نمایش آثار باستانی افغانستان در واشنگتن دی. سی. در ۲۱ می ۲۰۰۸ یاد می کنند. چرا از نمایشگاه عین آثار - به شکل منسجم و باشکوه آن - در امستردام (پایتخت هالند) که از آغاز سال ۲۰۰۸ تا اواخر ماه اپریل همان سال دوام داشت ، ذکری به عمل نمی آورند؟

جواب سؤال واضح است: برای اولین بار کتاب اصلی (کُنده) که به زبان فرانسوی توسط موزیم گیمه پاریس به چاپ رسیده بود ، به زبان های دری (با قطع بزرگ در ۲۸۸ صفحه) و پشتو (به علاوه زبان انگلیسی) ترجمه شده و آن کتب برای اولین بار در نمایشگاه امستردام به دسترس علاقه مندان قرار داده شد. من به این باور هستم که آقای «سیستانی» آن

کتاب را دزدکی مطالعه نموده و به صورت مجمل "تفاله" ای رابه نام خود بیرون داده اند که آنرا با گزارشاتی از دیگر منابع یکجا آویخته و انتظار «اعتبار علمی» را برای آن دارند.

چگونه است که من با اطمینان چنین ادعائی را می نمایم؟ باز هم جواب آن مشکل نیست: افتخاربرگرداندن آن اثر را از فرانسوی به زبان دری، من خود داشته ام و محترم دکتورحمید «سیماب» کارویرایش آنرا به عهده داشته اند. پروژه ترجمه دری، پشتو و انگلیسی آن اثر با مساعی و مصرف «صندوق وجهی شهزاده کلاوس» در هالند صورت گرفت.

۳) آقای «سیستانی» در صفحه ۶ نوشته خود از مسمی شدن نمایشگاه به «گنجینه بازیافته افغانستان» یاد می نمایند چونکه در سراسر نوشته خود فقط بر آثار «طلاپه» دقت نموده اند. باید توضیح کرد که «گنجینه بازیافته افغانستان» عنوانی نیست که اختراع آقای «سیستانی» باشد و نه هم صرفاً این نام، نام نمایشگاه در این شهر و آن شهر بوده است. «گنجینه های بازیافته افغانستان» (نه مفرد بلکه جمع) ترجمه اینجانب - به رویت عنوان فرانسوی - «افگه نستان: لی تغیزوغ غتغوفی» می باشد:

Afghanistan : les trésors retrouvés

که در آن اثر علاوه به آثار «طلاپه»، از «گنجینه» فول، آثارگرام و آثار «آی خانم» هم به صورت نسبتاً شرح یادآوری شده است.

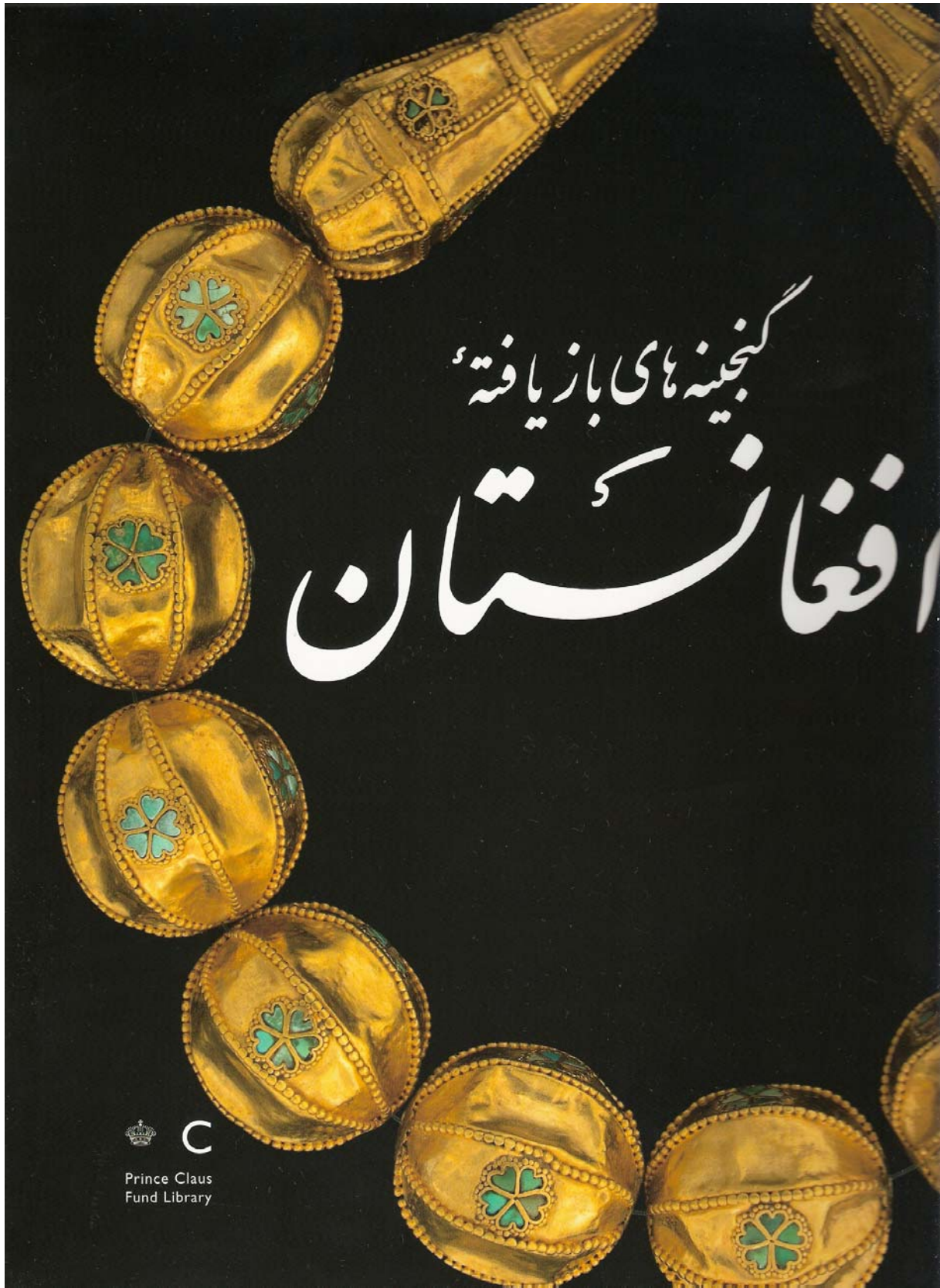
۴) آقای «سیستانی» در صفحه دوم نوشته خود در مورد یکی از آثار «طلاپه» چنین می گویند: "...دستبندهای طلا هرکدام دوپوند وزن دارد...". میرهن است که پوند درینجا واحد وزن و علامت علمی آن *al. بی.* (از *لنیره یاترازو* در زبان لاتین) و وقتی به گرام تبدیل شود، یک پوند مساوی به ۴۵۳ اعشاریه ۶ گرام است. پس ۲ پوند مساوی است به اضافه از ۹۰۷ گرام. مشکل است تجسم نمود که یک شاهدخت (ویاهم هرزن دیگر) با بند دستان ظریف و اندام ناز پرورده خود (ولودراضافه از دوهزارسال پیش از امروز) قادر بوده باشد نزدیک به یک کیلو وزن رادر هر بند دست خود برای آرایش متحمل شود؛ مگر اینکه سخن از «غُل» و «زولانه» باشد. من محض از روی امانتداری، اثر منتشره و مشخصاً بخش «طلاپه» را ورق زدم و دقیقاً دستبندها (ویازیب ها!) را از نظر گذشتاندم ولی در هیچ نقطه ای، از وزن آن دستبندها و آنهم آنچنان وزنی! یادآوری نشده است. هرگاه ضعف حافظه موجب شده باشد که آن نکته را به خاطر آورده نتوانم، تقصیر من موجه خواهد بود.

۵) آنچه را با آقای «سیستانی» صد فیصد موافق هستم، صفت شیرپاکی، وطنپرستی، از خودگداری و رازداری محترم آقای عمراخان «مسعودی» است. در جریان ترجمه کتاب، سفری نمودم به افغانستان عزیز. ضمناً دیدار و صحبت با ایشان برایم میسر گردید. تقدیر از محترم عمراخان «مسعودی» و ارج گذاشتن به خدماتی که ایشان (و مأمورین ایشان در موزیم ملی) با به قمار گذاشتن حیات خود به سر رسانده اند، مسلماً از هر فرد وطندوست و با احساس افغانستان انتظار رفته می تواند ولی اینکه آقای «سیستانی» مشخصاً صلاحیت «شادباش» گفتن به آقای «مسعودی» را برای خود قائل می شوند، به نظر من یک کاسبکاری سیاسی بوده و به خصوص با گذشته آلوده با دمسازی با وطن فروشان «خلقی - پرچی»، به هیچوجه نمی توانند چنان صلاحیت و موقفی را ادعا کنند. من متیقن هستم که آقای عمراخان «مسعودی» با موفقیتی که در یک امتحان تاریخی در برابر ملت به دست آورده اند، ننگ خواهند داشت که شخصی با چنان گذشته مشکوک سیاسی (که هنوز هم به آن افتخار می کند)، همه زحمات و جانفشانی های ایشان را، با چرب زبانی به نفع خود مصادره نماید.

۶) با آنکه اثر چاپ شده، «مال» شخصی من یا شخص دیگری بوده نمی تواند ولی در رابطه با ترجمه اثر «گنجینه های بازیافته افغانستان»، از دو چیز رنج برده ام: یکی پیشگفتار ظاهر شاه و دیگر: پیشگفتار حامد «کرزی». خوشبختانه آندو نوشته که جزء کتاب شده اند، هر دو از اول به زبان دری بوده و من در موردشان مسؤولیت وجدانی ندارم. ناگفته نباید گذاشت که در قسمت حذف و یا حداقل تغییر خط (مانند نسخه اصلی فرانسوی) «بابای ملت» کوشش زیاد نمودم ولی وقتی کتاب از مطبعه بیرون آمد، لقب انزجار آور «بابای ملت» را بر ما تحمیل نموده بودند... و حال آنچه باز هم موجب رنج خواهد شد، اینست که آقای «سیستانی» تلاش ورزند تا در عالم «گمنامی»، بر ثمره کار دیگران، «مهر» و «صحه» بی مسؤولیتی خود را بگذارند!

امین «سیماب»

۱۶ جولای ۲۰۰۹




Prince Claus
Fund Library